

مطالعه اسلوب‌های اقتباسی سه نمایشنامه شکرخدا گودرزی از متون کهن  
غیرداستانی برای نوجوانان

ناصرقلی سارلی<sup>۱</sup> حبيب‌اله عباسی<sup>۲</sup>

عصمت خوئینی قزلیجه<sup>۳</sup> بهروز محمودی بختیاری<sup>۴</sup>

جمیله سنجری<sup>۵</sup>

چکیده

اقتباس یکی از روش‌های رایج در خلق آثار هنری، ادبی و نمایشی برای کودکان و نوجوانان است. یکی از منابع غنی برای اقتباس در زبان فارسی، متون کهن غیرداستانی است. شناخت اسلوب‌های اقتباس و تحلیل آثار نمایشی اقتباسی بر مبنای این اسلوب‌ها می‌تواند در شناخت هنر نمایشی و کارکردهای روایی نمایش‌های اقتباسی یاریگر باشد. این جستار با روش تحلیلی-توصیفی و با در نظر

---

<sup>۱</sup> دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) sarli@khu.ac.ir

<sup>۲</sup> استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی h.abbasi@khu.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی e.khoeini@khu.ac.ir

<sup>۴</sup> دانشیار دانشکدگان هنرهای زیبای دانشگاه تهران mbakhtiari@ut.ac.ir

<sup>۵</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی jamileh.sanjari64@gmail.com

گرفتن تعاریف اقتباس و انواع آن و نیز با توجه به ویژگی‌های رسانه‌ها از دید لیندا هاجن انجام شده است. با کاربست دیدگاه‌های نظری در تحلیل سه نمایشنامه «خواجه نظام‌الملک»، «خواجه نصیرالدین» و «سهروردی» نوشته شکرخدا گودرزی به این نتیجه رسیدیم که گودرزی از روش‌ها و تمهیدات هنری گوناگونی مانند کاربرد انواع اقتباس، ایجاد طرح و ساختار نمایشی در متون غیرداستانی، تغییر محتوا، زبان، لحن و موضوعات و ایجاد انواع ریتم در زبان و صحنه‌ها، حذف و افزودن شخصیت‌های جدید و تخیلی به نمایش، کاربرد اشعار و تصنیف‌های ادب عامه بهره برده است. هریک از این روش‌ها و تمهیدات در روایت نمایش کارکردهایی زیبایی‌شناختی و هنری دارند و باعث جذابیت نمایش می‌شوند. نگارندگان این مقاله معتقدند که هر سه نمایشنامه اقتباسی مورد بررسی هم‌زمان دارای هر سه وجه اقتباسی گفتنی، نشان‌دانی و تعاملی هستند و به تناوب از هر سه وجه برای روایت نمایش بهره می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: اسلوب‌های اقتباس، متون غیرداستانی کهن، نمایشنامه، نوجوانان، ویژگی رسانه‌ها، گفتنی، نشان‌دانی، تعاملی.

## ۱. مقدمه

### ۱.۱ بیان مسئله

در آغاز نمایشنامه‌نویسی مدرن در ایران، نمایشنامه‌ها اغلب با اقتباس از ادبیات کهن داستانی نوشته می‌شدند و «پیشینه اصلی کسانی که در این دوره به کار نمایشنامه‌نویسی برای کودکان و نوجوانان پرداختند، نگارش نمایشنامه نبود... به همین سبب نتوانستند کار چشمگیری ارائه دهند و آثار آنان در گذر زمان به فراموشی سپرده شد» (محمدی و قائینی، ۱۳۸۳، ص. ۹۶۲). این نمایشنامه‌های معدود اقتباسی از شاهنامه، گلستان، افسانه‌های باستان و... پاسخگوی نیاز مخاطبان نبود. صحنه‌تئاتر به دست‌مایه‌های نمایشی بیشتری نیاز داشت و مخاطبان به آثار خواندنی احتیاج داشتند.

برای توسعه و گسترش متون نمایشی لازم بود از آثار داستانی و غیرداستانی کهن فارسی اقتباس شود. متون داستانی همیشه مورد اقبال نمایشنامه‌نویسان بوده، درحالی که متون غیرداستانی مغفول مانده است. درواقع، آثار انگشت‌شماری براساس آن‌ها خلق شده و پاسخگوی نیاز دست‌اندرکاران نمایش و تئاتر و مخاطبان کم‌سال (کودک و نوجوان) نبوده است.

باوجود این غنا و گستردگی در زبان فارسی، اقتباس از آثار داستانی راحت‌تر و از آثار غیرداستانی دشوارتر و کمتر بوده است؛ زیرا وام‌گیری از متونی که دارای طرح و ساختار داستانی نیستند فرایند اقتباس را طولانی‌تر و سخت‌تر می‌کنند. شاید یک دلیل عدم توجه نمایشنامه‌نویسان به متون غیرداستانی، نبود اسلوب‌های اقتباسی از این منابع غنی بوده است. جلالی‌پور معتقد است کلاً «در زمینه نمایشنامه‌نویسی کودکان و نوجوانان اثر مستقلی وجود ندارد. شاید به همین دلیل است که در اغلب نمایشنامه‌های این حوزه ضعف‌های دراماتیک آشکار و فاحشی دیده می‌شود» (جلالی‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۷). بنابراین لازم است اسلوب‌های اقتباس از متون غیرداستانی از معدود نمایشنامه‌های مخصوص نوجوانان استخراج شود.

در این جستار سعی شده به همین مسئله که پرسش اصلی پژوهش ماست، پاسخ داده شود:

نویسندگان از چه اسلوب‌های اقتباسی بهره‌مند شوند تا بتوانند متون غیرداستانی کهن فارسی را به نمایشنامه تبدیل کنند؟

یکی از روش‌های پاسخ به این پرسش، بررسی راه‌های رفته و تجربه‌های نمایشنامه‌نویسانی است که در این زمینه تجربه عملی مشخص و احیاناً موفق (از دید مخاطبان نمایشنامه) داشته‌اند. از این رو، در این پژوهش سه نمایشنامه اقتباسی شکرخدا گودرزی تحلیل شده و برخی از شیوه‌های کاری نویسنده از این آثار استخراج شده است تا نشان داده شود که آبشخورهای غنی کهن فارسی دارای این ظرفیت هستند که به

دست‌مایه‌های نمایشی تبدیل شوند.

مسئله دیگر چگونگی درگیر شدن کم‌سالان با نمایشنامه است. هاجن معتقد است هر رسانه‌ای ویژگی «گفتنی» یا «نشان‌دادنی» یا «تعاملی» دارد. براساس تعریف او، داستان و حکایت و شعر در قالب آثار گفتنی می‌گنجد و رسانه نمایش و تئاتر در بخش نشان‌دادنی، بازی‌های کامپیوتری جزو آثار تعاملی محسوب می‌شوند. بر این اساس، این پرسش پیش می‌آید که سه نمایشنامه سهروردی، خواجه‌نصیرالدین و خواجه‌نظام‌الملک نوشته گودرزی، نوجوانان را در چه حد درگیر خود می‌کنند؟ این نمایشنامه‌ها مخاطبان را با شیوه گفتن، درگیر می‌کنند یا با نشان دادن، یا حتی با شیوه تعاملی و مشارکتی؟ برای درک و دریافت چگونگی کار و پاسخ به پرسش‌های یادشده، ابتدا پیشینه اقتباس، تعریف و انواع آن، اقتباس از دید لیندا هاجن و ویژگی رسانه‌ها را به اختصار مرور می‌کنیم و سپس بر مبنای تعاریف و انواع، سه نمایشنامه گودرزی را تبیین و بررسی می‌نماییم.

۲،۱ پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقالات بسیاری در باب اقتباس موجود است اما آثار انگشت‌شماری در زمینه اسلوب‌های اقتباس برای خلق نمایشنامه مخصوص کم‌سالان در دست است. جلالی‌پور (۱۳۹۶) در آثارش چندین نمایشنامه کودک و نوجوان را نقد و بررسی کرده است؛ بررسی‌هایی که در نشریات نمایش، تجیر و روشن‌من منتشر شده‌اند. او ساختار و محتوای نمایشنامه‌های اقتباسی از متون داستانی و نمایشنامه‌های تألیفی غیراقتباسی را نقد و تحلیل کرده و پیشنهادهایی برای دراماتیک شدن نمایشنامه‌ها ارائه کرده است اما درباره اقتباس از متون غیرداستانی توضیحی نداده است.

مرادپور دزفولی (۱۳۹۶) دیدگاه بارت درباره انواع متون لذت‌بخش و متون سرخوشی‌بخش و نظریه شاخص‌های لذت متون ادبی نودلمن را مطرح می‌کند و این نظریات را به اقتباس‌های داستانی پیوند می‌دهد.

جولایی (۱۳۹۶) بیشتر به کتب داستانی و روایی هم‌چون کتاب‌های تاریخی توجه